

گونه‌شناسی «تعریف امامت» در دیدگاه اندیشمندان امامیه

رسول چگینی*

محمد مهدی چگینی**

چکیده

اندیشمندان امامیه در تعریف جایگاه امامت، از سه شیوه عمده بهره جسته‌اند که از آن به گونه‌های حدیثی، کلامی و فلسفی نام برده‌ایم. گونه حدیثی، مستند به احادیث اهل بیت، به‌ویژه کلام امام رضا علیه السلام است. گونه کلامی که نظر مشهور علما است، عبارت است از «الامامة رئاسة عامة في أمور الدنيا والدين» که مورد پذیرش اهل سنت نیز می‌باشد. گونه سوم که رویکردی نقادانه به تعریف مشهور دارد، تلاش می‌کند حقیقت جایگاه امامت را تبیین کند و بر ویژگی‌هایی مانند: «خلافت الهی»، «ولایت مطلقه»، «منصب الهی» و «انسان کامل» بودن امام تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی

امامت، ریاست عامه، خلافت کلیه، ولایت مطلقه، انسان کامل.

طرح مسئله

مهم‌ترین اختلافی که در جامعه اسلامی پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد و تاکنون ادامه دارد، مسئله جانشینی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است. دانشمندان شیعه و سنی درباره این مسئله و جوانب آن، مطالب فراوانی بیان داشته‌اند که اصل‌انگاری امامت از سوی امامیه، (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۵: ۲۴؛ مظفر، ۱۴۲۲: ۵ / ۲۷۰؛ نجفی عراقی،

rs1.chegini@yahoo.com

mahdi.chegini@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

*. کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.

** دانشجوی دکتری دانشگاه باقرالعلوم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۱

۱۳۸۰: ۳۶۰) و فرغانگاری آن از سوی اهل سنت، از آن جمله است. سخن امام باقر علیه السلام که: «و ما نودی بشيء كما نودي بالولاية» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲ / ۱۸) و سخن برخی از عالمان اهل سنت که: «ما سل سيف في الإسلام علي قاعدة دینية مثل ما سل علي الإمامة»، (شهرستانی، بی تا: ۱ / ۲۴) بیانگر اهمیت مسئله امامت نزد مسلمین است.

اهمیت این موضوع در باور شیعه به میزانی که به وجه تمایز تشیع از تسنن بدل گشته است، نگاه عالمان امامیه را به این مسئله دوچندان کرده و زمینه را برای پدید آمدن آثار فراوانی در این موضوع فراهم ساخته است؛ چنان که پیشینه برخی از آثار یادشده به قرن نخست بازمی گردد. ابن ندیم از علی بن اسماعیل بن میثم تمار به منزله اولین شخصی که در مذهب امامیه درباره امامت کتاب نگاشته، نام می برد. (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۱۷) نقش این موضوع در مذهب شیعه امامیه به قدری پررنگ است که این مذهب با نام «مذهب امامیه» شناخته شده است.

سخن از مشروعیت امامت و ضرورت آن، مشروط به داشتن تصویری روشن و جامع از آن است. از این رو دست یافتن به تعریفی روشن از امامت، اولین گام جهت شناخت درست مسئله امامت می باشد. این نوشتار با بررسی تعریف امامت و با مراجعه به منابع شیعه و برخی از آثار اهل سنت، کوشیده تا گونه های مختلف تعریف امامت را در منابع امامیه ارزیابی کند. مراد از گونه های تعریف، رویکرد و شیوه هایی هستند که اندیشوران برای تعریف امامت از آنها استفاده نموده اند که از جهت کاربرد واژگان و حوزه های مورد استفاده، دارای تفاوت هایی هستند.

ذکر این نکته ضروری است که این شیوه ها با وجود تفاوت هایی که در تعبیر آنها وجود دارد، از دیدگاه مؤلفان و استفاده کنندگان آن تعاریف، از یکدیگر مستقل نبوده، در عرض هم قرار نمی گیرند؛ بدین معنا که استفاده اندیشمندی از یک گونه، به معنای نفی و صحیح ندانستن گونه دیگر نیست؛ بلکه با توجه به اقتضای بحث و محدوده فراگیری مورد نظر مؤلف، به استفاده از یکی از شیوه ها اقدام شده است. چه بسا مؤلفی با دو رویکرد متفاوت در یک اثر یا آثار مستقل خود، به تعریف امامت پرداخته باشد.

ناگفته نماند که در این نوشتار به دنبال درستی یا نادرستی یک تعریف از لحاظ مواد منطقی نیستیم؛ بلکه تعاریف موجود را - با اینکه شاید نتوان آن را تعریف دانست؛ ولی مؤلفان آن را در مقام تعریف ذکر کرده اند - شناسایی می کنیم.

با آگاهی از این شیوه ها، زمینه های شکل گیری تعبیر گوناگون در تعریف امامت روشن می شود و راه برای تردیدافکنی مخالفان به بهانه وجود اختلاف مسدود می شود.

تاکنون نوشته جامعی در شناسایی جریان های مختلف تعریف امامت، تحریر نشده است؛ ولی بررسی هایی که برخی صاحب نظران در این باب داشته اند، می تواند راهگشا می باشد.

تعریف امامت در منابع امامیه

اندیشمندان شیعه در معرفی امامت، از سه شیوه عمده بهره جسته‌اند: گونه نخست، با استفاده از احادیث امامان معصوم علیهم‌السلام، به‌ویژه روایت امام رضا علیه‌السلام، به تبیین جایگاه امامت، بیان ویژگی‌ها و وظایف امام پرداخته‌اند. گونه دوم که بیشتر، متکلمان دنبال کرده‌اند نظر مشهور می‌باشد، در تعامل آنان با کلام اهل سنت بوده است و آنها سعی در هماهنگی نشان دادن تعریف امامت شیعه و امامت اهل سنت داشته و با ژرف‌نگری ویژه‌ای به تعریف، آن را به گونه‌ای تفسیر نموده‌اند که امامت موردنظر امامیه از آن برداشت شود. در گونه‌ای دیگر از تعاریف امامت که از دریچه نقد به تعریف مشهور نگریسته‌اند، الفاظ را قاصر از بیان حقیقت امامت دانسته و به پدید آوردن تعاریفی نوین روی آورده‌اند.

گونه نخست: زمام دین و نظام مسلمین

منابع امامیه در این زمینه به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی امامت را تعریف نکرده‌اند که قرار دادن این گروه در گونه نخست، تنها به دلیل استقصای همه گونه‌ها و قبول داشتن قدر مسلم از این روایات است؛ وگرنه این گروه به دلیل عدم ذکر تعریف، در این گونه داخل نمی‌شوند. گویی آنها بر این تصور بوده‌اند که همه مذاهب اسلامی از امامت تصویر روشنی دارند که مقبول همگان است و از این رو امامت را بی‌نیاز از تعریف دانسته‌اند یا تعاریف دیگر خود را در اینجا نیز جاری می‌دانند. مثل سید مرتضی در *الدخیره* و شیخ طوسی در *الاقتصاد فی ما یتعلق بالاعتقاد*. (گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۱۹) در مقابل، گروه دیگر به بیان ویژگی‌ها و فضایل مقام امامت و شخص امام پرداخته‌اند. این گروه که بیشتر، محدثان به شمار می‌آیند، سخنان خود را مستند به احادیثی از اهل بیت علیهم‌السلام کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به احادیثی که ائمه در بیان مقامات و خصوصیات امام اشاره نمود، مانند روایت امام رضا علیه‌السلام که محدثان متقدم، آن را با دو سند ذکر نموده، از آن به «حدیث جامع این باب» یاد می‌کنند. (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۰۰؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۷۷۵؛ همو، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۹۶؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۲۶)

در فرازهایی از این روایت آمده است:

إن الإمامة هي منزلة الأنبياء، وإرث الأوصياء، إن الإمامة خلافة الله وخلافة الرسول صلي الله عليه وآله ومقام أمير المؤمنين عليه السلام وميراث الحسن والحسين عليهما السلام إن الإمامة زمام الدين، ونظام المسلمين، وصلاح الدنيا وعز المؤمنين، إن الإمامة أس الإسلام النامي، وفرعه السامي، بالامام تمام الصلاة والزكاة والصيام والحج والجهاد، وتوفير الفئ والصدقات، وإمضاء الحدود والأحكام، ومنع الشغور والأطراف. (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۰۰)

به راستی امامت، مقام انبیا و ارث اوصیا است؛ امامت خلافت از طرف خدا و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. به راستی امامت، زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین است؛ امامت بنیاد پاک اسلام و شاخه باریک آن است. به یمن وجود امام، نماز و روزه و زکات و حج و جهاد درست می‌شوند، غنیمت و صدقات بسیار می‌گردند، حدود و احکام اجرا می‌شوند و مرزها و نواحی کشور مصون می‌شوند.

اندیشمندان فراوانی با مدد جستن از بخش‌های مختلف این کلام نورانی، به تبیین مقام امامت پرداخته‌اند؛ از جمله کرمانی (م. ۴۱۱ ق)، (کرمانی، ۱۴۱۶: ۸۰)؛ فیض کاشانی (م. ۱۰۹۱)، (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳ / ۴۸۲) حر عاملی (م. ۱۱۰۴ ق)، (حر عاملی، ۱۴۱۸: ۱ / ۳۸۵) خوئی (م. ۱۳۲۴)، (خوئی، بی‌تا: ۲ / ۳۳۵) و سید محمد هادی میلانی (م. ۱۳۹۵ ق) از آن به «خیر ما یدلنا علی شروط الإمام وخصائص الإمامة» یاد کرده‌اند (میلانی، ۱۴۲۶: ۳ / ۲۸۱) و حتی برخی از معاصران، مانند علی کورانی نیز از همین حدیث استفاده نموده‌اند. (کورانی، ۱۴۲۳: ۴۲۳)

در این گونه، قسمت‌هایی از روایت امام رضا علیه السلام گزینش شده و تعریف جامعی از مقام امامت و امام تلقی شده است. اگرچه اندیشمندان یادشده، درصدد بیان تعریف منطقی از امامت نبوده‌اند، اکتفای آنان به ذکر همین حدیث و شرح بخش‌های مختلف آن در مقام توضیح و تبیین مقام امامت و عدم ذکر تعریف دیگری، نشان از کامل دانستن این تعریف نزد آنان دارد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های امامت در این تعریف عبارت است از: خلافت و جانشینی از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، به دست گرفتن زمام دین، هدایت‌بخشی به مسلمین، کامل‌کننده دین و مجری احکام.

گونه دوم: ریاست عامه بر دین و دنیا

در این گونه از تعاریف که بیشتر در آثار متکلمان منعکس شده است - به همین سبب، آن را «تعریف کلامی» نام نهادیم - و تعریف مورداتفاق اندیشمندان به شمار می‌آید. (مظفر، ۱۴۲۲: ۱ / ۳۰) برای همسان‌سازی تعاریف اهل سنت و شیعه که برآمده از فضای حاکم بر شیعیان و ضرورت تقیه بود، (سند، ۱۴۲۷: ۲۴۷) با نوعی مماشات و حداقل‌گرایی، (خرازی، ۱۴۱۸: ۲ / ۶) تعریفی برگزیده شده که اهل سنت نیز کلیت آن را پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، شیخ مفید (م. ۱۴۱۳ ق) در *اوائل المقالات* می‌نویسد: «إن الأئمة القائمين مقام الأنبياء في تنفيذ الأحكام وإقامة الحدود وحفظ الشرائع وتأديب الأنام معصومون كعصمة الأنبياء». (مفید، ۱۴۱۴: ۶۶) همچنین محمد بن جریر طبری (ق. ۴) در *دلائل الامامة* امامت را این‌گونه تعریف می‌کند: «الإمامة هي رئاسة عامة في أمور الدين والدنيا، وأنها امتداد للوجود النبوي المقدس وحفظ لعهد وحمایة لأمانته وقيام برسالته». (طبری، ۱۴۱۳: ۱۷)

در منابع اهل سنت می‌توان به ماوردی (م. ۴۵۰) و تفتازانی (م. ۷۹۱ ق) و همچنین با اندکی تفاوت، به تعریف جرجانی (جرجانی، ۱۴۰۵: ۵۳) اشاره نمود: «ریاسة عامة في أمر الدين والدنيا خلافة عن النبي عليه الصلاة والسلام»؛ (ماوردی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۵؛ تفتازانی، ۱۴۰۱: ۲ / ۲۷۲) هرچند قاضی ایجی، اشکالاتی بر این تعریف وارد ساخته، تعریف صحیح را این‌گونه بیان می‌کند: «خلافة الرسول في إقامة الدين بحيث يجب اتباعه علي كافة الأمة». (ایجی، ۱۴۱۷: ۳ / ۵۴۷)

حاصل آنکه، تعاریف زیادی از اندیشمندان شیعی وجود دارد که شاکله اصلی تعریف آنان، بر پایه همین عبارات است که در قرون مختلف به کار برده شده است؛ از جمله: سید مرتضی (م. ۴۳۶ ق): «الإمامة رئاسة عامة في أمور الدنيا والدين» (سیدمرتضی، ۱۴۱۰: ۶) یا: «ریاسة عامة في الدين بالأصالة لا بالنيابة عن هو في دار التكليف»؛ (سیدمرتضی، ۱۴۰۵: ۲ / ۲۶۴) شیخ طوسی (طوسی، ۳۸۵ - ۴۶۰ ق): «والإمامة ریاسة عامة لشخص من الأشخاص في أمور الدين والدنيا»؛ (طوسی، بی‌تا: ۱۰۳) ابن میثم بحرانی (۶۹۹ - ۶۳۶ ق): «ریاسة عامة في امر الدين والدنيا بالأصالة»؛ (بحرانی، ۱۴۰۶: ۴۱) ابن جبر (م. ق ۷): «فهي رئاسة دينية مشتملة علي ترغيب عموم الناس في حفظ مصالحهم الدينية والدنياوية وزجرهم عما يضرهم بحسبهما»؛ (ابن جبر، ۱۴۱۸: ۳۴) علامه حلی (۷۲۶ - ۶۴۸ ق): «ریاسة عامة لشخص من الاشخاص في امور الدين والدنيا بحق الاصالة»؛ (حلی، بی‌تا: ۱ / ۲۳؛ ۱۴۱۴: ۱ / ۱۴۵) سید حیدر آملی (م. ۷۸۲ ق): «فهي علي الإطلاق رئاسة دينية مشتملة علي ترغيب عموم الناس في حفظ مصالحهم الدينية والدنياوية، وزجرهم عما يضرهم بحسبهما» (آملی، ۱۴۲۸: ۳ / ۲۵۳) و فاضل مقداد (م. ۸۲۶ ق): «فهي رئاسة عامة في الدين والدنيا لشخص إنساني خلافة عن النبي». (سیوری، ۱۳۸۰: ۳۲۰)

شبهه این تعاریف، در آثار دیگر اندیشمندان نیز یافت می‌شود؛ از قبیل: رجب البرسی، (م. ۸۱۳ ق)، (برسی، ۱۴۱۹: ۱۲۱) نورالله تستری (م. ۱۰۱۹ ق)، (تستری، بی‌تا: ۴۵۰؛ ۱۳۶۷: ۵۱ و ۲۶۲) محقق سبزواری (م. ۱۰۹۰ ق)، (سبزواری، بی‌تا: ۱ / ۳۹۰) محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۱ ق)، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸ / ۳۶۰) فاضل هندی (م. ۱۱۳۷ ق)، (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲ / ۳۲۰) سید نقوی (م. ۱۳۰۶ ق)، (سید نقوی، ۱۴۰۵: ۹ / ۳۲۶) میرزا احمد آشتیانی (م. ۱۳۹۵ ق)، (آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲ / ۱) استاد معظم معاصر میلانی (میلانی، ۱۴۲۷: ۳ / ۱۳۸) و شمار زیادی از بزرگان شیعه (امین، بی‌تا: ۱ / ۳۶۱) که با همین ادبیات به تعریف امامت پرداخته‌اند. برخی این تعریف را در معنای خلافت نیز به کار برده‌اند. (امین، بی‌تا: ۱ / ۵۱؛ تستری، بی‌تا: ۷ / ۴۸۲)

پیشینه این تعریف و پدیدآورنده آن را باید در قرن پنجم هجری جستجو کرد که با توجه به عدم به‌کارگیری این تعریف در کلام شیخ مفید و همچنین تقدم زمانی سید مرتضی بر طبری و ماوردی، به نظر

می‌رسد مبدع این تعریف، سید مرتضی بوده است؛ چه اینکه با توجه به گستره علمی شیخ مفید و زیر نظر داشتن اقوال و فتاوی ایشان از سوی شاگردان و اطرافیان (حلی، ۱۴۱۰: ۱ / ۵۰۳) و نیز شاگردی سید مرتضی نزد ایشان، اگر این تعریف در کلمات علمای سابق وجود می‌داشت، باید شاهد اشاراتی به آن می‌بودیم؛ ولی با نیافتن این تعریف در منابع پیش از سید مرتضی، می‌توان وی را پایه‌ریز این تعریف شناخت؛ هرچند ممکن است واژگانی از این تعریف در همان دوره در ادبیات علما به کار برده می‌شده است؛ مانند «ریاست» که در کلمات ابوصلاح حلبی نیز موجود است. (حلبی، بی‌تا: ۸۵)

ناگفته نماند که با توجه به موقعیت اجتماعی سید مرتضی - که گفته شده پس از شیخ مفید، ریاست امامیه به او انتقال یافت - (بهائی عاملی، ۱۴۰۶: ۹؛ حسینی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۹۱) و رویکرد کلامی او (امینی، ۱۳۹۷: ۴ / ۲۷۴) و نیز تحفظ او بر مشی در چارچوب روایات و عدم وجود این تعبیر از امامت در سخنان معصومان علیهم‌السلام، به نظر می‌رسد این تعریف نیز الهام‌گرفته از فرازهایی از همان سخن معروف امام رضا علیه‌السلام باشد. تعابیری از قبیل: «إن الإمامة زمام الدين ونظام المسلمين وصلاح الدنيا وعز المؤمنين، إن الإمامة أس الإسلام النامي وفرعه السامي، بالإمام تمام الصلاة والزكاة، والصيام، والحج، والجهاد، وتوفير الفئ والصدقات، وامضاء الحدود والأحكام، ومنع الثغور والأطراف. الإمام يحل حلال الله ويحرم حرام الله، ويقدم حدود الله» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۹۹) که با نگاهی کلی، می‌توان تبلور این خصوصیات را در عنوان «ریاست» یافت؛ در نتیجه این تعریف نیز برآمده از تعریف گونه نخست بوده که تعریف مشهور علما شناخته می‌شود.

با نگاهی به تعاریف یادشده، به‌خوبی می‌توان دید که در همه آنها بر چند محور اساسی تکیه شده است: «ریاست»، «عمومیت و فراگیری»، «دین و دنیا» و در پاره‌ای از تعاریف، «خلافت از نبی» و «شخص انسانی». مهم‌ترین کلمه در همه این تعاریف، واژه «ریاست» است. (برسی، ۱۴۱۹: ۲۰۴؛ همدانی، ۱۴۱۷: ۳ / ۱۰۷؛ ابوحیب، ۱۴۰۸: ۲۴؛ آل‌شیخ راضی، ۱۴۲۵: ۸ / ۲۷۹) به نظر می‌رسد مهم‌ترین ویژگی و بالاترین تصویری که از مفهوم امامت در اذهان اندیشمندان شکل می‌گرفته، اداره امور دینی و دنیوی مسلمین و اجرای محتویات اسلام بوده است - این نگاه را می‌توان در توصیف علما از مقام امام به‌خوبی مشاهده نمود - (شامی، بی‌تا: ۲۴۸) که از آن به «ریاست» تعبیر نموده‌اند. بعید نیست که فضای حاکم بر جامعه اسلامی و فشارهای فراوان حکام وقت بر شیعیان و عدم آزادی آنان در برگزاری اعمال و احکام دین و آموزه‌هایی مانند تقیه و بی‌کفایتی سردمداران جامعه در حفظ و گسترش کیان اسلام، باعث حداقل‌گرایی شد و این آرزو را در دل آنان ماندگار کرد که یک مدیر مدبر، هدایت جامعه را در دست گیرد و دین را زنده بدارد.

این گفته که: «فضای آن برهه از زمان، پذیرای چنین تعریفی از امامت نمی‌باشد و تنها باید بر ریاست امور دین اکتفا می‌شد»، مردود است؛ زیرا همان‌گونه که در ابتدای بحث گذشت، قید «ریاست بر امور دین و

دنیای مقبول علمای اهل سنت واقع شد و طرح این تعریف از سوی شیعیان، به زعم مخالفان، مؤید و همسو با تعریف آنان بوده و مخدوش کردن آن، در واقع خدشه به خودشان وارد می‌کرده است.

واضح است که این آرزوی دست‌نیافتنی شیعیان نمی‌توانست جای خود را به ریاست‌هایی دهد که به برخی از بزرگان مانند شیخ مفید، (شریف رضی، ۱۳۴۷: ۹۲) سید مرتضی، (طوسی، بی‌تا: ۲۷) شیخ طوسی، (قمی، بی‌تا: ۲ / ۳۹۷) ابن طاووس، (حلی، ۱۳۹۲: ۱۳۰) علامه حلی (همان: ۷۸) و برخی دیگر (اردبیلی، بی‌تا: ۲ / ۱۸۸؛ حرّعاملی، بی‌تا: ۱ / ۱۵۷؛ خوئی، ۱۴۱۳: ۱۸ / ۲۰۴) روی آورد که از آن به «رئیس امامیه و مذهب» یاد می‌کنند؛ چه اینکه این افراد توانستند تنها بر گوشه‌ای از اوضاع روزگار چیره شوند؛ آن‌هم در قامت رهبری یک اقلیت مخالف؛ اما هیچ‌یک نتوانستند ریاست بر امور دین و دنیای مسلمین را در دست گیرند.

بر همین اساس در قرون اخیر، به دلیل به قدرت رسیدن حکومت‌های شیعی مستقل و محقق شدن پاره‌ای از آمال و آرزوی آنان، به این نتیجه رسیدند که تنها ریاست نمی‌تواند گره‌گشای آنان باشد و این ویژگی‌های دیگر امام است که کمک شایانی در هدایت جامعه اسلامی دارد. به همین منظور، شاهد پدید آمدن تعاریف جدیدی از امامت در سده‌های اخیر هستیم که پا را فراتر از «ریاست» نهاده، به دنبال واژگان دیگری هستند تا بتوانند مقام امامت را به همگان معرفی نمایند که در گونه سوم به آنها اشاره می‌کنیم.

گونه سوم: ولایت کلی الهی

گونه سوم از تعاریف امامت که اغلب به متأخرین و معاصران فلاسفه تعلق دارد - و به همین دلیل و اینکه این تعریف بیشتر ناظر به فلسفه وجود امام و مقام امامت است، آن را «تعریف فلسفی» نام نهادیم - با رویکردی نقادانه، همه توجه خود را به گونه دوم معطوف ساخته، سعی در بازسازی تعریف امامت دارند. در این‌گونه، تکیه‌ای بر عنصر «ریاست» در تعریف نیست و حتی آن را برای غیر ائمه دست‌یافتنی می‌دانند و به همین دلیل، قیودی مانند «بحق الاصله» را به «ریاست» افزوده‌اند. (میلانی، ۱۴۱۳: ۴۵) در نتیجه اکتفا به این قیود را اجمال و کوتاهی در بیان حقیقت امامت توصیف می‌کنند. (سند، ۱۴۲۷: ۳ / ۴۰۴)

در این‌گونه از تعاریف که شالوده سخن آنان را می‌توان در میان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام یافت، نگاه ویژه‌ای به خصائص و مقامات امام لحاظ شده است. در نتیجه پیوند عمیقی میان گونه سوم و گونه نخست از تعاریف امامت وجود دارد و حتی می‌توان آن را اصلاح‌شده تعاریف گونه‌های اول و دوم دانست.

عمده‌ترین اسباب پدید آمدن گونه سوم را می‌توان رویگردانی معاصران از تعریف مشهور دانست. در اگرچه این‌گونه نمی‌توان به اتفاق نظری یکسان در تعریف امامت دست یافت، پرسش‌هایی که مطرح کرده‌اند، می‌تواند تعریف مشهور را به چالش بکشد.

برخی هم چون علامه طباطبایی درصدد بیان حقیقت امام بوده‌اند و تعریف امامت به ریاست و محدود

کردن مقام والای امام را به صادرکننده حکم در اجتماع کافی نمی‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱ / ۲۶۴) ایشان با رویکردی تفسیری، الفاظ امام را در قرآن همنشین الفاظ هدایت معرفی می‌کند و آن هدایت را تنها به امر خداوند می‌داند و در نتیجه این‌گونه بیان می‌کند: «فالإمامة بحسب الباطن نحو ولاية للناس في أعمالهم، وهدايتها إيصالها إياهم إلى المطلوب بأمر الله دون مجرد إرثاة الطريق الذي هو شأن النبي والرسول وكل مؤمن يهدي إلى الله سبحانه بالنصح والموعظة الحسنة». (همان: ۲۷۲)

گمشده بیشتر معتقدان به این‌گونه از تعریف را می‌توان در اهتمام به بیان ویژگی «انسان کامل بودن امام» یافت. (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۶۷) برخی با استناد به سیره ائمه علیهم‌السلام، بر این نکته پافشاری می‌کنند که خود اهل بیت علیهم‌السلام، در دعوت به امامت خود، بر زعامت مسلمین اکتفا نکرده‌اند؛ بلکه مقامات والائری را عیان ساخته‌اند و از مواردی چون اتصال به غیب، ارتباط با ملائکه، نورانی بودن سرچشمه علوم و لدنی بودن آن سخن به میان آورده‌اند که غیر از زعامت دنیوی، هیچ‌یک از این اوصاف در احدی دیده نشده و نخواهد شد. (سند، ۱۴۲۷: ۲۴۸) نادیده گرفتن این ویژگی‌ها، برای بسیاری دشوار بوده و آنان را وادار به لحاظ خصوصیات امام در تعریف امامت کرده است و هر خصوصیتی را که از دیدگاه آنان اهمیت بیشتری دارد، در تعریف گنجانده‌اند. برخی به اصلاح و تکمیل تعریف گونه دوم دست یازیده‌اند؛ مانند: «الإمامة منصب إلهي، ورئاسة عامة في أمور الدين والدنيا يختارها الله تعالى لفرد كامل من البشر، ويأمر النبي بأن يرشد الأمة إليه، ويقوم مقام النب في إرشاد الناس، وحجة الله علي خلقه» (حسینی صدر، ۱۴۲۸: ۲۷۵) که در این تعریف، علاوه بر استفاده از تعریف گونه دوم، قیود «گزینش الهی»، «انسان کامل» و «حجت خدا» بودن امام اضافه شده است.

عده‌ای دیگر با استفاده از قیودی، پاره‌ای از واژگان تعریف دوم را در معانی جدیدی به کار برده‌اند؛ برای نمونه: «فهي رئاسة عامة إلهية، خلافة عن رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم في أمور الدين والدنيا، وتولي السلطة المطلقة التي كانت للنبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دون استثناء. إذن الإمام هو ذلك الإنسان المعين من قبل الله تعالى لهدية الناس». (غریبی، ۱۳۷۹: ۷۳) پاره‌ای دیگر بر منصب الهی امام و ادامه نبوت بودن امامت تصریح کرده‌اند: «أنها منصب إلهي، هو استمرار لوظائف النبوة والرسالة ويكون الحكم والحاكمة من بعض شؤون الإمام ووظائفه» (عاملی، ۱۴۲۳: ۸ / ۳۰) یا: «إن الإمامة هي الامتداد الإلهي والشعري للنبوة». (بیاتی، ۱۴۱۸: ۲۹)

با نگاهی به تعاریفات جدید امامت، می‌توان به فقدان ویژگی‌هایی در تعریف مشهور پی برد که از آن به «ولایت مطلقه» و «خلافت الهی» یاد می‌کنند؛ مانند: «المقصود من الإمامة هي الولاية العظيمة التي تتلو مرتبة الرسالة» (شاکری، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۲۰) و «الإمامة هي عبارة عن الخلافة المتمثلة بولاية الأمر وقيادة التجربة الإسلامية والحكم الإسلامي». (حکیم، بی‌تا: ۶)

شاید بتوان با توسعه معانی الفاظ در تعریف دوم، آن را همپوشان با تعریف گونه سوم دانست که در این صورت می‌توان تعاریف گونه‌های دوم و سوم را در یک طبقه با اختلاف رتبه در وضوح و خفای الفاظ قرار داد. برخی از معتقدان به گونه دوم، اشاراتی به این مضمون داشته‌اند؛ از جمله استاد میلانی که به ترادف «الإمامة العامة» و «الخلافة الكبرى» و «الولاية المطلقة» تصریح دارد. (میلانی، ۱۴۲۷: ۳ / ۱۳۸)

اگر این توسعه در معانی الفاظ را نپذیریم، انصاف این است که با توجه به جایگاه امامت در اندیشه امامیه و برتر دانستن آن از مقام نبوت، (عاملی بناطی، ۱۳۸۴: ۲ / ۲۷۲) تعریف مشهور نمی‌تواند همه جوانب مقام امامت را دربرگیرد؛ چه اینکه حداقل باید بتوان این تعریف را بر نبوت که مقامی فروتر از مقام امامت است، به کار برد؛ درحالی که هیچ‌یک از اندیشمندان به قابلیت دربرگیری تعریف امامت بر نبوت خشنود نبوده، آن را کافی نمی‌دانند. تعریف مشهور، تنها شأنی از شئون امام را بیان می‌کند و آن «زعامت سیاسی، اجتماعی و دینی» است و سایر مقامات معنوی امام را شامل نمی‌شود. بنابراین تفاوت امامت در دیدگاه اندیشمندان امامیه با دیگران، تفاوت در برخی از شرایط نبوده، اختلافی جوهری است. (خرازی، ۱۴۱۸: ۲ / ۵)

محقق گرانقدر، علی کورانی با مشاهده این تشبّه و چنددستگی در تعریف امامت، خواستار بازگشت به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و مدد جستن از ایشان است؛ زیرا فهم انسان را قاصر از رسیدن به کنه این مقامات می‌داند. (کورانی، ۱۴۲۳: ۵۰۴)

از نظر نگارنده، جامع‌ترین تعریف امامت که بتواند همه شئون و خصائص امام را در برگیرد، این است: «الولاية الكلية الإلهية خلافة عن النبي». این تعریف جامع و مانع، شامل یک جنس و سه فصل است. مراد از «ولاية» اولویت تصرف امام می‌باشد؛ مراد از «کلیه» شمول این ولایت در همه حالات و صفات مادی و معنوی است و قید «الهی» بر الهی بودن این منصب تأکید دارد و گزینش‌های مردمی را خارج می‌کند؛ «خلافة عن النبي» نیز به معنای جانشینی پیامبر الهی است که همه وظایف و ویژگی‌های او را دارا می‌باشد که حصول آن، در گرو وجود فصول دیگری از قبیل علم، قدرت، عصمت و افضلیت می‌باشد. در نتیجه با این تعریف، نبوت انبیا، زمامداری خلفای ثلاثه، نواب عام و خاص ائمه علیهم‌السلام و ولایت حاکم شرع و قاضی و مانند آن از دایره شمول «امامت» خارج می‌شود.

در پایان دوباره متذکر می‌شویم که استخراج این سه‌گونه، به معنای تباین منطقی و استقلال آنها از یکدیگر نیست و حتی می‌توان به اندراج برخی در یکدیگر حکم نمود؛ اما با دنبال نمودن سیر تکاملی این تعریف، دستیابی به این سه‌گونه خالی از وجه نیست.

نتیجه

اندیشمندان امامیه در تعریف امامت که مهم‌ترین ویژگی مذهب تشیع اثنا عشری به شمار می‌آید، از سه شیوه

عمده بهره جسته‌اند که از آن به گونه‌های حدیثی، کلامی و فلسفی نام می‌بریم. در گونه حدیثی، بدون اشاره به تعریف منطقی، تنها به بیان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه کلام امام رضا علیه‌السلام در تبیین جایگاه امامت استناد می‌شود. البته در این گونه بیشتر به بیان صفات و شرایط امام و مقام امامت تکیه شده است. شیوه کلامی که بیشتر متکلمان از آن پیروی نموده‌اند، با الهام‌گیری از احادیث ائمه علیهم‌السلام، تعریفی مشهور شده که نظائر آن را می‌توان در تعاریف اهل سنت نیز مشاهده نمود که عبارت است از: «الإمامة رئاسة عامة في أمور الدنيا والدين». قدیمی‌ترین منبعی که این تعریف در آن وجود دارد، تألیفات سید مرتضی در قرن پنجم هجری است. گونه فلسفی با ژرف‌اندیشی بیشتر، تعریف مشهور را بر نمی‌تابد و آن را قاصر از بیان حقیقت امام می‌داند. اگرچه اتفاق نظری در این شیوه دیده نمی‌شود، آنها بر عناصر «خلافت الهی»، «ولایت مطلقه»، «منصب الهی» و «انسان کامل» بودن امام تکیه دارند.

شاید بتوان علت این ناهمگونی ظاهری را در ارائه تعریف، مبنای علمی و فضای حاکم بر آن برهه از زمان عالمان امامیه دانست. اندیشمندانی با صبغه حدیثی، سخن امام معصوم را گویاترین کلام در تبیین جایگاه امامت می‌دانند و علمایی که بیشتر با عامه در تعامل بوده‌اند و اهتمام زیادی برای به رسمیت شناساندن شیعه امامیه داشته‌اند، از مفاهیم مورد اتفاق آنان بهره جسته‌اند. البته در این تعریف، کف خواسته‌ها از امام مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در دوران‌هایی که شیعیان توانستند حکومت‌های مستقلی تشکیل دهند، پرده‌های تقيه را درنوردیدند و آزادی عمل در اختیار علما قرار گرفت، و در نتیجه، آنها سایر شئون و ویژگی‌های امام را در تعریف امامت لحاظ کردند.

اگر منصفانه ببینیم، روایاتی که مقام امام و امامت را توصیف کرده‌اند، بر مفاهیمی دلالت دارند که در تعریف گونه دوم نمی‌گنجد و اگر نتوانیم معانی بیشتری را از الفاظ تعریف مشهور استخراج کنیم، باید از این تعریف دست شست و به سراغ تعاریف گونه سوم رفت؛ به نظر نگارنده، تعریف امامت به «الولاية الكلية الإلهية خلافة عن النبي» دارای جامعیت و مانعیت کامل می‌باشد.

منابع و مأخذ

- آشتیانی، میرزا أحمد، ۱۳۹۹ / ۱۹۷۹ م، *لوامع الحقائق فی أصول العقائد*، تخریج و تعلیق: حسین بن علی الروشنی الکلبایگانی، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- آل‌الشیخ راضی، محمد طاهر، ۱۴۲۶ - ۱۴۲۵ ق، *بدایة الوصول فی شرح کفایة الأصول*، أشرف علی طبعه و تصحیحه: محمد عبد الحکیم الموسوی البکاء، قم، دارالهدی، ط. الأولى.
- آملی، حیدر، ۱۴۲۸ ق، *المحیط الأعظم والبحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم*، تحقیق: السید محسن الموسوی التبریزی، قم، موسسه فرهنگی و نشر نور علی نور، ط. الرابعة.

۴. ابن جبر، علی بن یوسف، ۱۴۱۸هـ *نهج الإیمان*، تحقیق: السيد أحمد الحسيني، مشهد، مجتمع إمام هادی عليه السلام، ط. الأولى.
۵. ابن ندیم، محمد بن إسحاق، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م، *الفهرست*، المحقق: إبراهيم رمضان، بیروت، دار المعرفة، ط. الثانية.
۶. أبو حبيب، سعدی، ۱۴۰۸ / ۱۹۸۸ م، *القاموس الفقهي*، دمشق، دار الفكر، ط. الثانية.
۷. الأردبیلی، محمد علی، بی تا، *جامع الرواة*، بی جا، مكتبة المحمدي.
۸. الأمين، محسن، بی تا، *أعيان الشيعة*، تحقیق و تخريج: حسن الأمين، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۹. الأميني، عبدالحسين، ۱۳۹۷ / ۱۹۷۷ م، *الغدیر*، بیروت، دار الكتاب العربي.
۱۰. الإيجي، عبدالرحمن، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷ م، *المواقف*، تحقیق: عبدالرحمن عميرة، بیروت، دار الجيل، ط. الأولى.
۱۱. بحراني، ابن میثم، ۱۴۰۶، *قواعد المرام فی علم الکلام*، تحقیق: السيد أحمد الحسيني / باهتمام: السيد محمود المرعشي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، مطبعة الصدر، ط. الثانية.
۱۲. البرسي، رجب، ۱۴۱۹ / ۱۹۹۹ م، *مشارك انوار اليقين*، تحقیق: السيد علي عاشور، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ط. الأولى.
۱۳. البهائي العاملی، محمد بن حسين، ۱۴۰۶، *توضیح المقاصد (المجموعة)*، قم، مكتب آية الله العظمى المرعشي النجفي.
۱۴. البياتي، جعفر، ۱۴۱۸، *الأخلاق الحسينية*، بی جا، أنوار الهدی، ط. الأولى.
۱۵. تستری، نورالله، ۱۳۶۷، *الصوارم المهركة فی جواب الصواعق المحرقة*، تحقیق: السيد جلال الدين المحدث، بی جا، نهضت.
۱۶. ———، بی تا، *شرح إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، تعليق: السيد شهاب الدين المرعشي النجفي / تصحيح: السيد إبراهيم الميانجي، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
۱۷. التفنازانی، سعدالدين، ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱ م، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، باکستان، دار المعارف النعمانية، ط. الأولى.
۱۸. الجرجاني، علی بن محمد، ۱۴۰۵، *التعريفات*، تحقیق: إبراهيم الأبياري، بیروت، دار الكتاب العربي، ط. الأولى.
۱۹. الحر العاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۸ / ۱۳۷۶، *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*، تحقیق و إشراف: محمد بن محمد الحسين القائيني، قم، مؤسسة معارف إسلامی إمام رضا عليه السلام، ط. الأولى.
۲۰. ———، بی تا، *أمل الآمل*، تحقیق: السيد أحمد الحسيني، بغداد، مكتبة الأندلس.
۲۱. الحسيني المازندراني، موسى، ۱۳۸۲، *العقد المنير*، طهران، مكتبة الصدوق.
۲۲. حسینی صدر، علی، ۱۴۲۸، *العقائد الحقة*، قم، دار الغدير.
۲۳. الحكيم، محمد باقر، بی تا، *أهل البيت فی الحياة الإسلامية*، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بيت، در نرم افزار مكتبه اهل البيت.

٢٤. الحلبي، أبو الصلاح، بي تا، الكافي في الفقه، تحقيق: رضا أستاذي، اصفهان، مكتبة الإمام أميرالمؤمنين علي عليه السلام العامة.
٢٥. الحلبي، ابن إدريس، ١٤١٠، السرائر، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ط. الثانية.
٢٦. _____، ١٤١٤، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ط. الأولى.
٢٧. _____، بي تا، نهج المسترشدين في اصول الدين، بي جا، بي نا.
٢٨. الحلبي، ابن داود، ١٣٩٢ / ١٩٧٢ م، رجال ابن داود، تحقيق وتقديم: السيد محمدصادق آل بحر العلوم، النجف الأشرف، مطبعة الحيدرية.
٢٩. الخزازي، محسن، ١٤١٨، بداية المعارف الإلهية في شرح عقائد الإمامية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ط. الخامسة.
٣٠. الخوئي، ابوالقاسم، ١٤١٣ / ١٩٩٢ م، معجم رجال الحديث، قم، مركز نشر الثقافه الاسلاميه، ط. الخامسة.
٣١. الخوئي، حبيب الله، بي تا، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، تحقيق: سيد ابراهيم الميانجي، طهران، بنياد فرهنگ امام المهدي عليه السلام، ط. الرابعة.
٣٢. السبزواري، محمدباقر، بي تا، ذخيرة المعاد في شرح الارشاد، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
٣٣. سند، محمد، ١٤٢٧ / ٢٠٠٦ م، الامامة الالهية، قم، منشورات الإجهاد، ط. الأولى.
٣٤. سيد مرتضى، علي بن حسين، ١٤٠٥، رسائل الشريف المرتضى، تقديم: السيد أحمد الحسيني / إعداد: السيد مهدي الرجائي، قم، دار القرآن الكريم.
٣٥. _____، ١٤١٠، الشافي في الامامة، قم، مؤسسة إسماعيليان.
٣٦. السيوري، فاضل، ١٣٨٠، اللوامع الالهية في المباحث الكلامية، قم، بي جا، (دفتر تبليغات اسلامي).
٣٧. الشاكري، حسين، ١٤١٧، موسوعة المصطفى و العترة عليه السلام، قم، الهادي.
٣٨. الشامي، يوسف بن حاتم، بي تا، الدر النظيم، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
٣٩. الشريف الرضي، محمد بن حسين، ١٣٧٤ / ١٩٥٥، تلخيص البيان في مجازات القرآن، حققه وقدم له وصنع فهارسه: محمد عبدالغني حسن، القاهرة، دار إحياء الكتب العربية، ط. الأولى.
٤٠. الشهرستاني، محمد بن عبدالكريم، بي تا، الملل و النحل، تحقيق: محمد سيد كيلاني، بيروت، دار المعرفة.
٤١. الصدوق، محمد بن علي، ١٤٠٤ / ١٩٨٤ م، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تصحيح وتعليق و تقديم: الشيخ حسين الأعلمي، بيروت، مؤسسة الأعلمي.
٤٢. _____، ١٤١٧، الأمالي، قم، مؤسسة البعثة، ط. الأولى.
٤٣. طباطبائي، محمدحسين، ١٤٠٢، الميزان في تفسير القرآن، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
٤٤. الطبري، محمد بن جرير، ١٤١٣، دلائل الامامة، قم، مؤسسة البعثة، ط. الأولى.
٤٥. طوسي، محمد بن حسن، بي تا، الرسائل العشر، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.

۴۶. عاملی النباطی، علی بن یونس، ۱۳۸۴ ق، *الصراط المستقیم*، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ط. الأولى.
۴۷. عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۲۳ / ۲۰۰۲ م، *مختصر مفید أسئلة وأجوبة فی الدین والعقيدة*، المركز الإسلامي للدراسات، ط. الأولى.
۴۸. غریری، سامی، ۱۳۷۹، *تعليقة على الفصول المهمة فی معرفة الاحوال الاثمة لابن صباغ المالکی*، قم، دار الحديث، ط. اولی.
۴۹. القمی، عباس، بی تا، *الكنی والألقاب*، طهران، مكتبة الصدر.
۵۰. الكاشانی، الفیض، ۱۴۰۶ هـ ق / ۱۳۶۵، *الوافی*، عنی بالتحقیق والتصحیح والتعلیق علیه والمقابلة مع الأصل ضیاء الدین الحسینی العلامة الأصفهانی، أصفهان، مكتبة الامام أمير المؤمنين علی عليه السلام العامة، ط. الأولى.
۵۱. _____، بی تا، *المحجة البيضاء فی تهذیب الأحياء*، صححه وعلق علیه: علی اكبر الغفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ط. الثانية.
۵۲. كاشف الغطاء، محمد حسين، ۱۴۱۵، *أصل الشيعة و أصولها*، تحقيق: علاء آل جعفر، بی جا، مؤسسة الإمام علی عليه السلام، ط. الأولى.
۵۳. الكرمانی، حمیدالدین، ۱۴۱۶ / ۱۹۹۶ م، *المصابیح فی إثبات الإمامة*، تقديم و تحقيق: مصطفى غالب، بیروت، دار المنتظر، ط. الأولى.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، *الكافی*، تصحیح و تعلیق: علی اكبر الغفاری، طهران، دار الكتب الإسلامية، ط. الخامسة.
۵۵. الكورانی العاملی، علی، ۱۴۲۳ / ۲۰۰۳ م، *الحق المبين فی معرفة المعصومين عليهم السلام*، بی جا، دار الهادی، ط. الثانية.
۵۶. گلپایگانی، علی، ۱۳۹۲، *امامت در بینش اسلامي*، قم، بوستان کتاب، چ چهارم.
۵۷. ماوردی، علی بن محمد، ۱۳۸۶ / ۱۹۶۶ م، *الأحكام السلطانية والولايات الدينية*، مكة المكرمة، دار التعاون، ط. الثانية.
۵۸. المجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳ م، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ط. الثانية.
۵۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، *امامت و رهبری*، قم، صدرا.
۶۰. مظفر، محمدحسن، ۱۴۲۲، *دلایل الصدق لنهج الحق*، دمشق، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ط. الأولى.
۶۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ / ۱۹۹۳ م، *اوائل المقالات*، تحقيق: الشيخ إبراهيم الأنصاري، بیروت، دار المفید، ط. الثانية.
۶۲. میلانی، علی، ۱۴۱۳ / ۱۳۷۲ ش، *الامامة فی أهم الكتب الكلامية*، قم، منشورات شریف الرضی، ط. الأولى.
۶۳. _____، ۱۴۲۷ / ۱۳۸۵، *تشیید المراجعات و تفنید المکابرات*، قم، مرکز الحقائق الإسلامية، ط. الرابعة.

۶۴. الميلاني، محمدهادي، ۱۴۲۶، *قادتنا كيف نعرفهم؟*، تحقيق وتعليق: السيد محمد علي الميلاني، قم، شريعت، ط. الأولى.

۶۵. النجفي العراقي، عبدالنبي، ۱۳۸۰ - ۱۳۳۹، *المعالم الزلّفي في شرح العروة الوثقى*، قم، علميه.

۶۶. النعماني، ابن أبي زينب، ۱۴۲۲، *الغيبية*، تحقيق: فارس حسون كريم، قم، أنوار الهدى، ط. الأولى.

۶۷. النقوي، حامد، ۱۴۰۵، *خلاصة عقبات الأنوار*، طهران، مؤسسة البعثة.

۶۸. الهمداني، رضا، ۱۴۱۷، *مصباح الفقيه*، التحقيق: محمد الباقرى، قم، المؤسسة الجعفرية، ط. الأولى.

۶۹. الهندي، فاضل، ۱۴۱۶، *كشف اللثام*، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ط. الأولى.